



۲۰۱۶/۰۸/۱۷



م. نسیم اسیر  
ملک الشعراى افغان ها در هجرت

## طنز دو رنگی!

آقای داکتر «عبدالله» به طاقت دو، بالآخره عقده های دل را بر «اشرف غنی» باز کرد و آنچه در ذهنش برابر آمد گفت و اشرف هم خاموش نماند، ناگفتنی هایی که دردش کوزه واری پر شده بود خالی کرد، از همین جاست که مقوله دو پادشاه در یک اقلیم ننگد، صدق پیدا می کند. دوستان از اول می گفتند که در افغانستان اشتراک در قدرت از ناممکنات است، اما "جان کری"، جان گور سرکنده و پای کننده از امریکا آمد و دو جاه طلب را در قدرت شریک ساخت، این گل را به آب داد و مشکل های پایان ناپذیر را خلق کرد که اکنون بار همه نا بسامانی و مصیبت ها را مردم به دوش می برند.

نمی دانم برای حل این منازعه که تازه خلق شده، باز کر و کوری از خارجه خواهد آمد و یا خود این آقایان بر سر عقل آمده، از غرور و جاه طلبی دست کشیده و بیش ازین با زندگی و آبروی مردم بازی نخواهند کرد. ما را عجب آید که از ایشان چنین ادب آید.

آشتی نا کرده ، این مرغان جنگی را ببین  
دیگری با جنگ می خیزد، گُلنگی را ببین  
گفت و گوی این دو تا چرسی و بنگی را ببین  
لیک با هم در جدل، هر دو پلنگی را ببین  
این سبکساری نمی زبید، گرنگی را ببین  
دیگرش با فیشن و درشن، فرنگی را ببین  
چال بازی را تماشا کن، زرنگی را ببین  
از "غنی" با پیرهن تنبان، ملنگی را ببین  
ظاهرش مثل ملنگ، اما پلنگی را ببین  
سُر نکرده ساز، این زنگی و چنگی را ببین  
این سر بی عاطفه، این قلب سنگی را ببین

وحدت ملی بهم خورده، دورنگی را ببین  
آن یکی چون مرغ، نا هنگام آذان می دهد  
یا به دوکان سماوارچی و صرف چاینکی  
در قبال طالبان تا دست و پا گم می کنند  
رسم دولنداری کار هر خس و خاشاک نیست  
آن یکی با پیرهن، تنبان و پتکی جلوه گر  
هر کسی بر مدعای خویش حرفی می زند  
عبدالله درمود و فیشن گوی سبقت برده است  
همدمی می گفت این آقا، پلنگه، نه ملنگ  
ساز و سامان وطن ناسازگار افتاده است  
طالبان با نام حق، هر روز آدم می کشند

درد بسیار است «اسیر» از ملک بی سامان ما

از زعیمان، خیز و جست رنگ رنگی را ببین

م. نسیم «اسیر» ۱۲ اگست ۱۶م، فرانکفورت